

خیابان لاله‌زار در دههٔ ۱۳۰۰ خورشیدی

انتشار هم‌زمان دو خبر متفاوت، علامت‌سؤالی روبه‌روی آینده لاله‌زار قرار داده است؛ خبر اول، تملک و بازسازی خانه دایی‌جان ناپلئون در این خیابان تاریخی و خبر دوم که البته کمی تلخ است، تخریب سینما سهیلاست که یکی از دردانه‌های سینمایی خیابان لاله‌زار به حساب می‌آمد و سال‌ها بر سر بازسازی و بازگشتش به چرخه اقتصاد سینمای ایران گمانه‌زنی می‌شد. بنابراین این سؤال پیش آمد که در آینده لاله‌زار، شاهد خبرهای خوشی مانند بازسازی خانه دایی‌جان‌ناپلئون خواهیم بود یا تخریب سینماهای از کارافتاده این خیابان. امیرشهاب رضویان که خود دستی بر آتش دنیای سینما دارد، در زمان ساخت مجتمع سینمایی کوروش سعی کرد خاطره سالن‌ها و سینماهای قدیم لاله‌زار را در نام‌گذاری سالن‌های سینمایی این مجموعه زنده کند و به همین دلیل الفتی علمی‌تر با تاریخچه سینمایی لاله‌زار دارد. از او پرسیده‌ایم چطور می‌توان به احیای خیابان لاله‌زار امیدوار بود و سعی کرد این خیابان را به یک باتوق فرهنگی بدل کرد تا جایی که حتی یادآور تاریخچه‌اش در قلب تهران نیز باشد.

❧ اهمیت خیابان لاله‌زار از گذشته تا امروز فقط به حضور چند سینما محدود نمی‌شود، به‌نظر شما، چرا این خیابان به لحاظ تاریخی خیابان مهمی برای پایتخت است؟

اگر به گذشته‌ها برویم، لاله‌زار در اصل یک باغ بزرگ بوده که در زمان ناصرالدین‌شاه شاهد اولین تغییرات آن هستیم. داستان از آنجایی شروع می‌شود که ناصرالدین‌شاه در بازگشت از فرنگ تصمیم گرفت خیابانی شبیه به شانزده‌لیزه در تهران فراهم کند؛ کویا او مجذوب صدای تقق گفش‌های زنان در این خیابان شهر پاریس شده بود و فرمان داد طرح خیابانی مشابه با آن در پایتخت آن زمان حکومت قاجار بنا شود. درست در همین زمان است که تلویزان پریشک مخصوص شاه، از شاه خوااهش می‌کند برای احداث چنین خیابانی، باغ بزرگ لاله‌زار را تخریب نکند، چراکه به اعتقاد او، این باغ در تلطیف هوای تهران و خنک نگه‌داشتن دمای شهر مؤثر بوده. به اعتقاد من، این اولین باری است که در حرکت ایرانی‌ها به سمت مدرنیته وارداتی، هشدارهای محیط‌زبستی مطرح می‌شود و توسعه در برابر محیط‌زیست قرار می‌گیرد. اما این هشدارها ره به جایی نمی‌برد و لاجرم، خیابان لاله‌زار درست در وسط همین باغ ساخته می‌شود.

❧ با وجود این، به‌نظر می‌رسد این‌ خیابان یکی از خیابان‌های نقش‌آفرین در تاریخ معاصر ایران باشد.

بله؛ هم‌زمان با نخستین جرقه‌های انقلاب مشروطه، خیابان لاله‌زار به یکی از خیابان‌های مهم تهران آن زمان بدل می‌شود؛ ردپای بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی را می‌توان در این خیابان پیدا کرد مانند مطبعه فاروس که یکی از اولین چاپخانه‌های تهران است و در کنارش حکاکی و گراورسازی دارالصناعه وطنیه متعلق به میرزا عبدالرزاق حکاک، سازنده لوح مظفر سردر مجلس شورای ملی و چند حرفه مهم دیگر هم حضور داشته‌اند. اما در جریان مشروطه اتفاق‌های زیادی در این خیابان رخ می‌دهد؛ مثلا همان فاروس و آن گراورسازی غارت می‌شوند، چند تره مهم در این خیابان به وقوع می‌پیوندد و... . با این حساب، می‌توان گفت لاله‌زار درست چند سال پس از احداث می‌رود در کنار خیابان‌های مهم تاریخ معاصر تهران قرار گیرد و با دو میدان توپخانه و بهارستان به نقاط مهم و حتی سیاسی شهر بدل می‌شود. چنین نگاهی به لاله‌زار وجود دارد تا زمانی که تهران شاهد یک دگرگونی تازه می‌شود؛ توسعه رضاشاهی براساس الگوهای مدرنیته وارداتی.

❧ این زمان، زمانی است که لاله‌زار شاهد اولین ساخت سینماست؟
در زمان رضاشاه، لاله‌زار قرار بود به سمت فرهنگی‌شدن حرکت کند؛ ساخت گراندسینما و سینما فاروس یکی از اولین تلاش‌ها در این راستاست و کم‌کم پس از احداث این سینماست که بسیاری از متمکنان و حتی افرادی که باغچه‌ای کوچک در حاشیه این خیابان داشتند، دست‌به‌کار می‌شوند و با حداقل امکانات قابل تهیه در آن زمان، سینماهایی را در این معبر شهری به وجود می‌آورند.

❧ عجیب است لاله‌زار تاریخ پرچالشی دارد که بی‌شابهت به تاریخ ایران هم نیست؟ تخریب و نوسازی مداوم در این‌ خیابان گویی هیچ‌وقت متوقف نشده است؟

وقتی به تاریخ نگاه می‌کنیم، انکار در خیابان لاله‌زار یک اتفاق تازه می‌افتد؛ اولین بار است که ما برای حرکت به سمت پیشرفت یا چیزی که از آن به‌عنوان پیشرفت یاد می‌کرده‌اند، محیط‌زیست را تخریب می‌کنیم، آن زمان مثل امروز نبوده که تخریب گسترده در بافت‌های تاریخی مانند باغ عسرت‌آباد یک‌شبه صورت گیرد. اما با وجود این‌ تخریب‌ها، کم‌کم لاله‌زاری در عصر رضاشاهی به وجود می‌آید که یکی از تفرجگاه‌های اصلی مردم تهران است؛ کافه‌ها و میکده‌های رسمی، مکان‌های اجرای موسیقی، سالن‌های تئاتر و سینما از این خیابان یک مرکز فرهنگی برای پایتخت می‌سازند و اندک‌اندک پای گروه‌های مختلف طبقاتی به این نوع

گفت‌وگو با امیرشهاب رضویان درباره اهمیت تاریخی و فرهنگی خیابان لاله‌زار

احیای «لاله‌زار» زیست شبانه تهران را زنده می‌کند



مکان‌ها باز می‌شود.

❧ چطور؟

دقت کنید که سینما در همه دوران‌ها، یکی از ارزان‌ترین تفریح‌های طبقه متوسط جامعه بوده و است. افرادی که آن زمان نمی‌توانستند برای صرف یک وعده غذا به کافه یا رستورانی در لاله‌زار بروند، گروه‌هایی که نمی‌توانستند آن‌را برای شنیدن موسیقی یا بهرمندشدن از فضای کافه‌ها به این مکان‌ها بروند، با خرید یک بلیت سینما، روّیاهای خودشان را روی پرده سینما جست‌وجو می‌کرده‌اند. طبیعی است برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان، انواع و اقسام سینماها با کیفیت‌های مختلف در این خیابان به راه افتاده؛ از سینما مترویل و کریستال که جزء بهترین سینماهای ایران بوده‌اند تا سینما سارا و شهزاد که کیفیت یا درجه پایین‌تری داشته‌اند و همین گوناگونی هم می‌تواند یکی دیگر از عوامل اهمیت خیابان لاله‌زار به‌عنوان یکی از مراکز بزرگ سینمایی کشور باشد.

❧ این سؤال بارها تکرار شده و کارشناسان مختلف از زاویه تخصص خود به آن پاسخ‌های متفاوتی داده‌اند، شما فکر می‌کنید چرا لاله‌زار با چنین پیشینه‌ای، امروز شاهد این وضعیت شده است؟

مهم‌ترین دلایلش این است که از میان‌رفتن سینماهای آن زمان خیابان لاله‌زار را تابع شرایط و وضعیت امروز ارزیابی کنیم؛ اول اینکه خود



سینماداری به‌عنوان یک حرفه دیگر سودآور نیست؛ چراکه انواع واسطه‌ها پایشان را به رابطه میان مخاطب و اثر باز کرده‌اند و وظیفه پرکردن اوقات فراغت مردم را ارزان‌تر و راحت‌تر برآورده می‌کنند؛ ماهواره، تلویزیون، دی‌وی‌دی و... باعث شده که واقعا سینما بخش مهمی از مشرتیان همیشگی خود را از دست بدهد. از طرف دیگر، خیابان لاله‌زار به دلیل عدم برنامه‌ریزی‌های درازمدت و کلان، امروز چهره دیگری به خود گرفته؛ بورس لوازم الکتریکی! در هیچ کجای دنیا شاهد چنین وضعی نیستیم که یک خیابان با پیشینه فرهنگی مهمی چون لاله‌زار را از میان ببرند و آن را به بورس چیز دیگری بدل کنند. در همه جای دنیا، تغییر کاربری‌های هدفمند و با برنامه توانسته از مرگ چنین محله‌ها و خیابان‌ها و کلا باتوق‌های

زاویه

خیابان لاله‌زار در دههٔ ۱۳۰۰ خورشیدی

دریاچه

در جست‌وجوی آینده

شرق؛داستان لاله‌زار هیچ‌گاه تمامی ندارد؛ پرونده‌ای است که روی میز تاریخ تهران باز مانده و اگرچه گاهی با انتشار خبر مرگ یکی از بناها و عمارت‌هایش به سرخط اخبار بدل می‌شود اما تا زمانی که تکلیفش روشن نشود، نمی‌توان آن را مختومه اعلام کرد. ابهت لاله‌زار را هنوز خاطره‌هایش یدک می‌کشند؛ خاطره‌هایی که ابتدا با اسم خیابان تداعی می‌شوند؛ عنوان خیابان یادآور باغی است که تا پیش از دست‌درازی شاهان قاجاری، سراسر مملو از گل‌های لاله خودرو بود. خاطره بعدی به سینماهای این خیابان برمی‌گردد؛ از سینما سارا، ایران و رکس گرفته تا جهان زبر خروارها قطعات الکتریکی و یارس که از مهم‌ترین سالن‌های تئاتر تهران آن روزگار به‌شمار می‌رفتند. این‌ خاطر، امروز اگرچه زبر خروارها قطعات الکتریکی و کلاف‌های سیم برق و شلوغی مردم کلافه‌ای است که آمده‌اند در این خیابان تنگ و بدون پارکینگ، اما هنوز ارجاعی به گذشته خود دارد. در دوره های مختلف درباره آینده این خیابان سخن‌ها به میان آمده، این‌ روزها اما هم‌زمان با موضوع تملک خانه اتحادیه برای نوسازی و احیای آن، سرنوشت خیابان لاله‌زار به یکی از مهم‌ترین پرونده های فرهنگی و اجتماعی تهران بدل شده است. آیا می توان امیدوار بود که بازسازی یکی از مهم‌ترین خانه‌های تاریخی این محدوده به زنده‌سازی خیابان لاله زار ختم شود؟

مرد ثبت‌نشده بود؟

سال گذشته سازمان میراث فرهنگی آستین بالا زد که این خیابان را ثبت ملی کند، مگر قبلا ثبت نشده بود؟
خیابانی که بیش از صد سال قدمت دارد و خاطرات مهم تهران را ساخته، آیا تابه‌حال به فهرست آثار ملی کشور افزوده نشده؟
شاید سیداحمد محیط‌طباطبایی، رئیس ایوکم، پاسخ این سؤال را بهتر از دیگران بداند: «خیر! تابه‌حال پرونده‌ای برای ثبت خیابان لاله‌زار تشکیل نشده و از کل خیابان‌های تاریخی کشور، تنها جداره و درخت‌های خیابان ولیعصر به ثبت رسیده‌اند و خیابان چهارباغ اصفهان». اما آیا شیر بی‌بال‌وکوپال لاله‌زار نیازی به ثبت هم دارد؟
وقتی که سینماهایش تعطیل شده، تئاترخانه‌هایش را مغازه‌های لامپ‌فروشی از آن خود کرده‌اند و از آن معماری قدیمی و یک‌دست، چیزی نمانده جز آجرهای پوسیده و سقف‌های ترک‌خورده و دیوارهای کثیف.
بااین‌همه محیط‌طباطبایی که سال‌های زیادی از عمرش را وقف تاریخ و میراث تهران کرده، در گفت‌وگو با «شرق» اصرار دارد که این ثبت به‌نفع لاله‌زار و تاریخ تهران است؛ قطعا اگر قرار باشد لاله‌زار ثبت شود، به‌نفع تهران خواهد بود چراکه حداقل ۶۰ درصد خطوط اصلی خیابان هنوز باقی است و می‌توان با ثبت آن جلو آزمایشان‌رفتن نمای ساختمان‌ها را گرفت.»

به نظر می‌رسد امید به زنده‌شدن لاله‌زار در حال افزایش است به این شرط که این امید زودتر از ماشین‌های تخریب وارد عمل شود و قول‌ها و گفتارها در این خیابان تاریخی چهره واقعی به خود بگیرند. شاید بتوان این خیابان را دوباره با حیات تاریخی‌اش پیوند زد و زنده کرد، شاید هم بتوان از ثمره سال‌ها زیست تاریخی‌آن برای آینده‌ای بهره برد که تهران دوباره صاحب لاله‌زار شود؛ لاله‌زاری پر از باتوق‌های فرهنگی و هنری اصیل.



گذشته به روایت امروز

خاطره سینماهای قدیمی تهران می‌میرد

روزی روزگاری لاله‌زار



سینما مایاک، ایران و باقی قضایا

لاله‌زار با سینما تاج شروع می‌شود و در ضلع جنوبی آن قبل از اینکه به میدان توپخانه برسد، سینما ایران و سینما مایاک را پشت‌سر می‌گذارد. از میان ۱۵ سینمای این خیابان، هیچ سینمایی دیگر زنده و فعال نیست اما جای خالی‌شان تاریخ تهران را تکان داده‌اند. حالا زمان آن رسیده که ساختمان فراموش‌شده و خالی این سینماها هم فروبریزد؛ یا به‌اجبار اقتصاد یا به‌اختیار کهنگی و فرسودگی بنا. هرکدام از این سرنوشت‌ها که در انتظار این درانه‌های تاریخی تهران باشد فرقی ندارد، مهم این است که در آن خیابان تنگ و باریک، کمتر از شش‌ماه بعد، ساختمانی تازه‌سا یا پاساژی چندکله، جایش را خواهد گرفت و بخش تازه‌ای از عمده‌فروش‌های لوازم الکتریکی را به این خیابان قدمتا تاریخی وارد خواهد کرد. سینما مایاک عصری برابر عمر تاریخ فیلم ایرانی دارد؛ همین سینما بود که بعدها به نام سینما مرجان مشهور شد و اولین فیلم ناطق ایران را روی پرده برد. شلوغی و ازدحام سینما در شب افتتاح «دختر لر» قابل وصف نیست؛ هرچه باشد قرار بود مهم‌ترین موج هنری و فرهنگی آن زمان راه بیفتد و هزاران نفر در صف ایستاده بودند تا ببینند سرنوشت دختر غربتی چه خواهد شد و آیا مأمور دولت می‌تواند او را از دست اشرار خوزستان نجات دهد یا نه. مایاک امروز فقط یک سینمای فراموش‌شده نیست؛ یک سینمای یک‌لنک‌پا منتظر است. فروخته‌اندش و حالا در انتظار تیشه‌هایی است که شاید خیلی زود ریشه‌اش را خراب کنند.



سینماکریستال و خاطره‌های فراموش‌شده

از قدیمی‌های این‌ خیابان هر که باقی مانده باشد خاطره‌ای از سینمارفتن در این خیابان دارد؛ خصوصا عصر جمعه‌ها که حتی کوچه‌های تنگ و باریک لاله‌زار به سبک قدیمی آب و جارو می‌شد برای صدای میرزاده عشقی، عارف قزوینی، عبدالحسین نوشین و خوانندگانی که صدایشان از آمپلی‌فایرهای قدیمی بیرون می‌ریخت و مردم را جمع می‌کرد تا به بزرگ‌ترین باتوق فرهنگی تهران آن روزها وارد شوند. خیابان، محل پرسه‌زدن میان صف سینماها بود. آنهایی که وضع مالی‌شان خوب بود و دنبال فیلم‌های پر مخاطب بودند، به کریستال می‌رفتند و آنهایی که جیبشان خالی بود، دنبال سینماهای دو فیلم با یک بلیت می‌گشتند و الحق که چند سینمایی هم برایشان مهیا بود. سینماکریستال حالا در سکوت به ازدحام‌گاری‌هایی نگاه می‌کند که از روبه‌رویش عبور می‌کنند. سینماکریستال، امسال ۷۰ ساله شد؛ سینمایی با ۶۰ نفر گنجایش و دو سالن مجزا از هم. قرار بود در این سینما فقط فیلم‌های هنری اکران شود و نه فیلم‌هایی که مذاق روز بازار بود و اتفاقا قرع‌های درست به نامش افتاد و هنوز خاطره بسیاری از فیلم‌های مهمی که تاریخ سینمای ایران فرسوده است. کریستال، باتوق لهستانی‌های مقیم این بخش از تهران هم بود. بااین‌همه امروز از آن‌همه شلوغی و نشاط خبری نیست؛ کریستال فقط محدود شده به یک پوسته معماری قدیمی که می‌توان آن را در ابتدای خیابان لاله‌زار دید و غیر از آن هیچ!



سینما مترویل و گوزن‌ها

یک سال بعد از آنکه کریستال افتتاح شد، موج سینماهای روشنفکری یک فرزند تازه به لاله‌زار افزود که امروز در یک‌قدمی ویرانی کامل است؛ «سینما مترویل». سینمایی که با سیاسی‌ترین فیلم‌های آن زمان، کار خود را آغاز کرد و اتفاقا با اکران سیاسی‌ترین فیلم‌ها هم به کار خود پایان داد. مترویل که بعدها نامش به رودکی تغییر کرد، در اولین برنامه اکران، «نگهبان مبارز» را انتخاب کرد و عجیب است که تمام لاله‌زاری‌های قدیم این فیلم و زمان اکرانش را به خاطر دارند؛ می‌گویند آن روز آن‌قدر لاله‌زار شلوغ بوده که مدیر سینمایایران از ناراحتی دست‌هایش را مشت کرده و به دیوار کوبیده است. رقابت‌ها با ورود سینماهای تازه‌نفس در این خیابان جان گرفت و هر سینمایی به‌دنبال برگ برنده خود بود؛ «فیلم با تنقالت»، «فیلم با صدای زنده»، «فیلم با حضور عوامل»، «دو فیلم با یک بلیت» و... . مترویل در سال ۸۷ تعطیل شد و کسی بر خاموشی‌اش اشک نریخت. بااین‌همه حضورش هنوز در خیابان لاله‌زار، سایه دارد؛ سایه خاطرات قدیمی، سایه خاطراتی که از رقایش با رکس و سینمایایران مردم تعریف می‌کنند؛ خاطره‌اش از حضور کیمیایی و مهرجویی و کیمیای. سینماهای این خیابان، اگرچه همگی مرده‌اند، اما در پس تاریخ زندگی می‌کنند.